



۲۰۲۰/۱۰/۲۹



: انجنیر شیر ساپی

## سدّ نوالقرنین بر مسیر بازگشت یاجوج و ماجوج در قفقاز

**قفقاز** که به نامی **کوهی "قاف"** در پاره‌ای از افسانه‌های اسطوره‌ای و فولکلوریک مشهور است، کوهیست بلند و هیولایمانند که بعنوان **سرزمین جن و پری آسمانی** که در آن آدمی زندگی نمی‌کند و **مکان چشمه آب حیات** نیز ذکر شده و در برخی متون عرفانی نیز **آشیا سیمرغ** در آنجاست و در ادبیات و بسیاری از شعرای بزرگ در اشعار خود از این نام استفاده کرده‌اند؛ یاد شده است. پژوهشگران نام و جایگاه کوه‌های قفقاز را الهام‌بخش پدید آمدن این افسانه دانسته‌اند. قفقاز منطقه‌ای در اوراسیا میان بحیره خزر و بحیره سیاه واقع است که در دوران **نوزیستی** این رشته کوه در بین بحیره خزر و بحیره سیاه رحل اقامت افکند. قفقاز بخشی از سیستم کوه‌های **"آلبید"** است، ایجاد کوه آلبید آخرین مرحله شکل‌گیری کوه‌های جهانی در تاریخ زمین است که در آن کوه‌های آلپ - هیمالیا تشکیل شده‌اند. از نظر فیزیکی، قفقاز یک منطقه گسترده از تغییر شکل را تشکیل می‌دهد که بخشی از کمربند کوهستانی آلبید است. قفقاز یک رشته کوه چین خورده با برخی مخروط‌های آتشفشانی است که در **"ترشیاری" (Tertiär)** [مرحله‌ای از تکامل زمین که تقسیم دوره‌های زمانی آن میان دوره‌های **پالئوژن** و **نئوژن** از دوران **نوزیستی** (سینوزوئیک)؛ یعنی منقرض شدن **دایناسورهای ناپرنده**] گشوده شد و در اواخر پالئوژن پایینی در ارتباط با بالا آمدن کوه‌های قفقاز، بحیره سیاه از بحیره خزر جدا شده‌است.

قفقاز بدو بخش قفقاز شمالی و قفقاز جنوبی تقسیم می‌شود. قفقاز جنوبی شامل کشورهای **گرجستان، آذربایجان و ارمنستان** بخش‌هایی از شمال غربی ایران و شمال شرقی ترکیه می‌شود. اما قفقاز شمالی جزئی از **روسیه** است. کوه قفقاز در حدود 1100 کیلومتر طول، از غرب - (شمال غربی) به شرق - (جنوب شرقی) کشیده شده، تا ارتفاع 5642 متر از سطح دریا بالا می‌رود و دارای ارتفاع متوسط 602 متر است، 400 هزار کیلومتر مساحت دارد و در سرزمین‌های روسیه، گرجستان، آذربایجان و ارمنستان واقع شده است. در حدود 30،6 میلیون نفر در این کوه‌ها و مجاورت آنها زندگی می‌کند.



سمت راست نقشه تشکیل کمربند کوه‌های آلبید و سمت چپ کوه قفقاز ژونالیست و نویسنده ورزیده محمد یوسف صابر ساپی در کتاب چاپ نشده خویش مینگارد: «د اوسنیو جیوپولیتکانو د نظر سره سم، د وروستنیو پنخو پیرویو راهیسی هر هغه خواک، چې د ایروشیا په سیمه کې واک لرلی، همغه خواک په ټوله نړۍ واک چلولی دی.

په همدې باور، د ا.م.ا. ددی له پاره، چې پر ټوله نړۍ باندي خپل واک وچلوي، باید د ایروشیا سیمه په خپله ولکه کې وساتي، هغه سیمه چې زیاته برخه یې په جغرافیایي لحاظ او د استعمار له دوره بیا د شوروي تر رنگیدو پورې اساساً د روسیې پورې تړلي وه.

د امریکا راتلونکې باندني سیاست له پاره ترټولو زیات مهم «ایروشیا ده، د لږین څخه تر ولادي وستوک پورې. که امریکا غواړي په راتلونکې کې هم خپل نړیوال واک وساتي، بنیایي خپله ټوله پاملرنه دغې سیمې ته واړوي. دلته د نړۍ ۷۵٪ نفوس اوسیري، هملته د انرژي زیرمو په شمول، د نړۍ سترې طبیعي نخیرې پرتې دي او دلته د نړۍ ۶۰٪ ناخالص تولید کیږي. د لږین څخه تر ولادي وستوک په سیمه کې د امریکا راتلونکې برخلیک ټاکل کیږي. لدې کبله د امریکا هدف باید دا وي، چې د ایروشیا سیاسي او اقتصادي پرمختگ څرنګوالی په خپل اند جوړ کړي او د ایروشیا د هیوانونو کوم امریکایي ضد اتحاد مخه باید مخکې له مخکې ونیسي».

د پاڼو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پاڼوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ

## یاجوج و ماجوج ( خزرها ):

اولین اشاره به اصل و ریشه نام های گاک و مگاک {غوز و ماغوز} یا (گوگ و مگوگ) و یا ( یاجوج و ماجوج ) در کتاب پیدایش (تورات) و جنول ملت ها است.

گاک و مگاک { (به عبری: Magog-U Gog) } در کتاب مقدس عهد عتیق عبری به عنوان افراد ، قبایل (اقوام) یا کشورها ظاهر می شوند. این دو نام در فصل 38 و 39 حزقیال (تورات « عهدعتیق ») ذکر شده اند ، گوگ یک شخص است و مگوگ کشور (سرزمین) او است. در پیدایش 10 (تورات)، گوگ یک شخص است، پسر یافت ، پسر نوح است ، اما از گوگ نام برده نمی شود. نام ماجوج به همان اندازه مبهم است. [ اما ممکن است از Mat-Gugu آشوری ، "سرزمین Gages" ، به معنای لیبیا باشد. متناوباً ، گوگ می تواند از مگوگ گرفته شود و نه برعکس ، و "مگوگ" ممکن است نمادی برای بابل باشد. (ویکیپدیا عربی). ]

فرم "گاک و مگاک" می تواند به عنوان مخفف "گوگ و / یا کشور مگوگ" ظاهر شود ، بر اساس نسخه Septuagint ، ترجمه یونانی کتاب مقدس عبری. نمونه ای از این شکل را می توان در عبری (Gog u-Magog) یافت ، اما زمینه آن نامشخص است و تنها در بخشی از طومارهای بحیره مرده یافت می شود. [ویکی...عربی] قرن ها بعد ، سنت های یهودی عبارت "Gog of Magog" را تغییر دادند.

در عهد جدید (کتاب مقدس بائبل) در "Gog and Magog" ظاهر شد ، این شکلی است که در فصل مکاشفه یوحنا آمده است ، در آنجا Gog و Magog به عنوان دو گروه تعریف شده اند ، نه دو نفر. به صورت یک مجموعه به جنگ با مسیح می پردازند. [ویکی ... عربی]

در کتاب تورات، سرزمین های «شمال» به عنوان کانون هجوم دشمنان (یا کانون ارسال بلای آسمانی) معرفی می شود. (1) و این امر این نکته را می رساند که قاعدتاً سرزمین های شمالی سمبل و زیستگاه اقوام بربر و وحشی و مهاجم شناخته می شدند و به همین دلیل تورات در پیشگویی های خود درباره سقوط بابل، مهاجمان یا هخامنشیان آتی را ، غالباً قومی از «شمال» معرفی می کند! (2) این ویژگی تا به حدی است که در مقدمه کتاب «حقوق» در تورات نیز «بایلی ها» که در شرق سرزمین های یهود می زیستند به عنوان «دشمن شمالی» یهودیان ذکر می شوند! (3)

افزون بر آن تاکید بر سرزمین های شمالی به عنوان محل زندگی اقوام سرسخت و مقاوم تا به آن جا نیز می رسد که تورات از آهن محکم و غیر قابل شکستن این مناطق هم در جایی که می گوید: «کسی نمی تواند میله ها آهنی را بشکند، به خصوص آهن سرزمین های شمالی را که با مفرغ مخلوط شده باشد» یاد کرده است و مفسر تورات در پاورقی صفحه توضیح می دهد: « منظور سرزمین های مجاور دریای سیاه می باشد که آهن آن از کیفیت مرغوبی برخوردار بود. » (4)

در قرن اول میلادی مورخ یهودی - رومی ژوسیفوس فلاویوس از قوم سکاها با نام گاک و مگاک نام برده و آنها را به عنوان نژاد ای از قبیله مگوگ مانند پیدایش (کتاب مقدس تورات) شناسایی کرد و توضیح داد که آنها سکاها هستند. گوگ و مگوگ در اسلام با نام های (عربی یاجوج و ماجوج) شناخته می شوند. در قرآن کریم، در سوره کهف ، یاجوج و ماجوج به عنوان قبایل بدوی و غیر اخلاقی ظاهر می شوند که توسط ذوالقرنین ، که در قرآن به عنوان یک حاکم صالح و فاتح ذکر شده ، تبعید و ممنوع شدند و بیشتر با اسکندر بزرگ ارتباط دارد. در بعضی متون تاریخی از قوم خزر به عنوان گاک و مگاک نام برده شده است. در کتاب "اکسپوزیسیون ماتیم او انجلیستام" نوشته شده در قرن نهم میلادی توسط "کریستیان استاولوت" از قوم خزر به عنوان گاک و مگاک نام برده شده است که «خته شده و از قوانین یهودی تبعیت می کنند».

منشأ نام خزر و سرآغاز تاریخ آنان را با قطعیت می توان گفت که خزرها در اصل اسلاوها ساکن شمال قفقاز بودند. قوم خزران در دشت های سفلی رود ترک و رود ولگا و شمال قفقاز سکنی داشتند. به عبارت دیگر این قوم در بین شمال غربی بحیره خزر و بحیره سیاه سکونت داشتند.

" نام کورش در کتاب تورات به صورت خوروش آمده است که در روسی کهن به معنای مار سیاه زهر آگین و یا خروس جنگی است. امروزه این معنی را نمی توان در فرهنگ های زبان روسی یافت و تنها از مسیر منابع اتیمولوژی زبان روسی دسترسی به آن میسر است. این همان واژه ای است که در پیشوند نام خروشچف هم دیده می شود. و لازم است اشاره کنم نام های فامیل روسی ارتباط گسترده ای با اسامی حیوانات وحشی و جنگلی دارد، مثلاً زایتسف و یا مدویدوف که اولی به معنای از خانواده ی خرگوش ها و دومی به معنای از خانواده ی خرس هاست. بدین ترتیب

نام کورش یک لقب محلی روسی است که اشاره به یک حیوان بی رحم دارد و با ردی که از او در تاریخ به عنوان تخریب کننده ی بی امان تمدن شرق میانه باقی مانده ، کاملاً منطبق است". (5)

امروزه به طور دقیق پذیرفته شده است که ناحیه زندگی خزرها منطقه حقیقی اشکنازیها بوده است. ناحیه زندگی اشکنازیها دقیقاً مصادف با سکونتگاه قوم یاجوج و ماجوج است که در کتابهای تاریخی به آن اشاره شده است. « کورش در گل نبشته ی بابلی اش، سرزمین و زادگاه و مرکز قدرت بومی خویش معرفی می کند، انزان است، که به صورت انزاب نیز ثبت است و نام ناحیه ی بزرگی در حاشیه ی شرقی دریای سیاه بوده است که نه فقط درست با همین تلفظ، هنوز بر چند دهکده ی پراکنده از حوالی اردبیل تا سوچی در کناره دریای سیاه باقی مانده است ، بل این نام هنوز هم بر شاخه ی جنوبی زبان روسی اطلاق می شود، اما استادان عالی مقام اروپایی کوشیده اند به مدد یک گونی سریش این نام را با جغرافیای فارس کنونی منطبق کنند». (6)

خدای اصلی هخامنشیان «بگ» است که نام خدای کهن اسلاوها بوده، هنوز هم هست. اضافه کنم که خدای اصلی هخامنشیان «ارت» و باز هم یک خدای اسلاو است. نام این خدا نیز، چون «بگ» خدای دیگر هخامنشیان، هرگز در شرق میانه شنیده نشده است. مثلاً در سطر 41 کتیبه ی خشایارشا در تخت جمشید می خوانیم:

«جایی که قبلاً دیوها پرستش می شد، در آن جا من خدای سرزمین بخش و «ارت» را با فروتنی پرستش کردم»  
"یهودی های اشکنازی روس خزرها را نیاکان خود می دانند ولی از دید گروهی از ژن شناسان هر چند یهودیان اشکنازی ژن های بسیاری از اروپای شرقی گرفته اند، پذیرش اینکه آنها عمدتاً از خزرها هستند بعید است." (ویکیپدیا)  
در فیلم قوم یاجوج و ماجوج بن گورین به صراحت در مورد خزر بودن قوم یهود کنونی صحبت می کند کتاب "قبیله سیزدهم" آرتور کستلر درباره تاریخ یهودیان اشکنازی و پرداختن به تاریخ نیاکان اشکنازی یعنی خزرها بسیار معروف و مورد توجه است.

قبیله سیزدهم در حقیقت تاریخ این خزرهاست که سرنوشت خود را با قبول کیش یهود با سرنوشت قبایل دوازده گانه اسرائیل پیوند زدند.

"مدارک تاریخی این کتاب نشان می دهند که اکثریت قاطع جمعیت یهودی شرق اروپا از یهودیان خزری تشکیل شده بود. این جمعیت معادل جمعیت خزرها و به مراتب بیش تر از جمعیت تحلیل رفته [مضمحل و از میان رفته] یهودیان غرب بود و در نتیجه اکثریت بزرگ مجموع یهودیان را تشکیل می داده است. بنابر این یهودیان جهان امروز حاصل جمع اکثریتی بزرگ از یهودیان خزری است با جمع کوچکی از یهودیان چند رگه اصیل".

کتاب قبیله سیزدهم، توطئه همزمان و وسیع علیه "بنی امیه" را بخوبی نشان می دهد:  
"از آن مهم تر لشکرهای خزر راه یورش سیل آسیای اولیه اعراب را سد کرده ، مانع اشغال شرق اروپا گردیدند که از نظر سیاست بیزانس و تاریخ اروپا این اقدام دارای اهمیت خاصی است". (ص. 17)

"آرتور کستلر" به خاطر کتاب «قبیله سیزدهم» به دست و پا توطئه ی یهودیان حذف شد.  
"ایا آن جنگ های طولانی و فرسایشی خزرها با لشکریان اسلام و نیز همزمانی حمله بزرگ آنها با حمله بزرگ "پواتیه" در غرب را که هر دو در یک زمان و به سال 114 هجری انجام شده ؛ زائیده تصادف روزگار بدانیم و یا حاصل تصمیم به دفاع مشترک کلیسا و کنیسه ؟ ... پس از شکست لشکریان اسلام در هر دو جبهه شمال و غرب و از سال 114 هجری ، دوران افول بنی امیه آغاز می شود و آنگاه در همان زمان پایگاه دیگری در شرق ، وظیفه کامل نابودی امویان را به عهده می گیرد و آن ظهور شعبویه در خراسان و تبدیل آن خطه به مرکزی برای تجمع عباسیان است!". (7)

### سد ذوالقرنین ( تنگه داربال یا سد دربند )

تنگه درالان ( داربال ) : در آن که در زبان های گوناگون دریال نامیده می شود تنگه ای است در قفقاز در مرز روسیه و گرجستان. درالان در مرکز رشته کوه های قفقاز و در شمال تفلیس جای دارد. این تنگه که در شرق کوه کازیک و در جنوب شهر ولادی قفقاز واقع شده و دریا تیرک از میان آن می گذرد. این دریا پس از سرچشمه گرفتن از یخچال زیلگاخوخ، واقع در دامنه رشته کوه های قفقاز، در آغاز مسیر، به طول ۳۰ کیلومتر از میان دو رشته کوه می گذرد سپس، ضمن برگشت به طرف شمال، رشته کوه های «کناری»، «صخره ای» و کوه های «قارا» را قطع کرده، جریان می یابد. ضلع های شمالی و جنوبی کوه های قفقاز را به هم پیوند داده است.

مهمترین تنگه در جاده نظامی گرجستان ، تنگه داربال به طول حدود 11 کیلومتر در منطقه مرزهای امروز بین گرجستان و روسیه است. این منطقه از جاده ارتش گرجستان به صورت تنگه ای بین کوه های مرتفع اطراف عمیقاً بریده شده است. دیواره های صخره ای تقریباً به صورت عمودی در کنار بستر رودخانه تارک تا 600 متر ارتفاع

د پانو شمیره: له 3 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

می گیرند. قله های مرتفع قفقاز تا فاصله 8 کیلومتری با هم جمع می شوند. این ویژگی های جغرافیایی اهمیت استراتژیک مهمی به دره داربال داده است. پس از آنکه قسمت شرقی جورجیا در پایان قرن هجدهم به حفاظت از روسیه تبدیل شد ، گسترش سیستماتیک اتصال جاده ای از طریق کوهستان آغاز شد. سرک (جاده ) نظامی جورجیا ( Georgische Heerstrasse ) به طور رسمی در سال 1799 افتتاح شد . (8)

در همین راستا، "برخی مدعی شدند که در تنگه داربال، در کوه های قفقاز، و در مرز گرجستان و روسیه امروزی، سدی است که سازنده آن کورش است. این ادعا از توهمات ابوالکلام آزاد ناشی می شود و متأسفانه برخی از علماء هم که شناخت کافی از این شخصیت نداشتند، از سر صدق و سادگی، به سخن او اعتماد کردند. لیکن حقیقت این است که اولاً سدی از جنس آهن و مس در آن ناحیه نیست. ثانیاً بر اساس کدام سند ادعا می شود که کورش در قفقاز، سدی از آهن و مس ساخت؟ (مدعیان باید به این پرسش پاسخ دهند). از سویی دیگر، در منابع تاریخی به ویژه در آثار مورخ بزرگ، فلاویوس ژوزفوس می بینیم سد مشهوری در قفقاز، به دست اسکندر مقدونی در مقابل اقوام سکایی ساخته شد. برخی دیگر می گویند در تنگه داربال، رودی وجود دارد به نام سائرس، که این نام برگرفته از همان نام کورش است. چون یونانیان به کورش، سایروس می گفتند. پس این تنگه و سد آن مرتبط با کورش است! در پاسخ می گویم اولاً کدام سد؟! ثانیاً رودی که از میان این تنگه می گذرد، ترک Terek نام دارد. که ایداً شبیه نام کورش نیست. ثالثاً در اقوام شمال قفقاز، قومی وجود داشته به نام سیراکوی و یا سیروکو ( Sirakoi) که حقیقتاً هم ربطی به کورش ندارد. چه بسا اگر هم رودی به آن نام باشد، مربوط به نام این قوم است که احتمالاً جزو اقوام سکایی بوده است. رابعاً نام کورش به یونانی، سایروس تلفظ نمی شود. بلکه کوروس Kūros تلفظ می شود". (9)

**سد یا دروازه دربند :** دربند قدیمی ترین شهر فدراسیون روسیه است و به عنوان دروازه قفقاز از قرن ها قبل به عنوان یک منطقه استراتژی ارزش بسیاری داشته است. این شهر به لحاظ اهمیت دومین شهر جمهوری داغستان، در جنوبی ترین قسمت فدراسیون روسیه واقع شده است. داغستان یکی از ۸۵ واحد فدرال کشور روسیه است.

داغستان، جنوبی ترین بخش فدراسیون روسیه را تشکیل می دهد. مساحت داغستان حدود ۵۰۳۰۰ کیلومتر مربع است. داغستان در شرق و در امتداد بحیره خزر در حدود ۴۰۵ کیلومتر خط ساحلی دارد. بیشتر سطح داغستان از مناطق کوهستانی تشکیل شده است. رشته کوه قفقاز بخش جنوبی داغستان را پوشانده است. بلندترین نقطه داغستان کوه بازاردوز با ۴۴۷۰ متر ارتفاع است که در مرز با جمهوری آذربایجان قرار دارد. جنوبی ترین نقطه روسیه در هفت کیلومتری جنوب قله بازاردوز واقع شده است.

دیگر کوه های مهم داغستان از چهار هزار متر بلند است. بخش های شمالی این جمهوری در استپ نوقای قرار گرفته و هموار است. بنای استحکامات بزرگی شهر "دربند" برای جلوگیری از حملات خزران ساخته شده بود، هنوز پا برجاست.



این دیوار که از تخته پوریا سنگ های بسیار بزرگ ساخته شده بود بین 18 تا 20 متر ارتفاع داشت.



تعداد 30 برج بر فراز این دیوار قرار گرفته بود. دیوار سه دروازه آهنی داشت که یک دروازه آن به دریا گشوده می شد.

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلو. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ



استحکامات در بند دیوار سنگی بسیار بلندی بود که در زمان اسکندر مقدونی ساخته شد. طول آن چهل (40) کیلومتر و از کوهستان تا کرانه دریای خزر امتداد داشت و خط دفاعی بسیار مستحکم در برابر خزران (هخامنشیان) مهاجم به شمار می‌آمد. در زمان روم باستان داستانی بنام "گوگ" و "مگوگ" اضافه شد که می‌گفت اسکندر بزرگ در میسر بازگشت این قبیله "الکساندر گیتس" (Alexanders Tore) [ دروازه / سد ] برپا کرده بود. ژئوسفوس نوشته‌است که اسکندر مقدونی گاک و مگاگ را در پشت کوه‌های قفقاز به وسیله دیوارهای آهنین زندانی کرده‌است. گوگ و مگوگ و گیتس به رمانهای اسکندر قرار داده شد. در یکی از آنها، "گوت و مگوگ" پادشاهان ملل ناپاک هستند که به هدایت اسکندر از طریق دیوار جدید خود بازگشت آنها ممنوع است. همچنین گفته شد که آنها، دست به آدم‌خواری می‌زدند. آنها همچنین در نقشه‌های قرون وسطی در کنار دیوار اسکندر، به تصویر کشیده شده‌اند. سردرگمی گوگ و مگوگ با افسانه اسکندر و دروازه‌های آهنین در قرون اولیه مسیحی و اسلامی در سراسر خاور نزدیک گسترش یافته بود و به دست نویسندگان اولیه مسیحی به انبوهی وحشتناک تبدیل شدند و در سراسر قرون وسطی، آنها به طور مختلف به عنوان وایکینگ‌ها، هون‌ها، خزرها، مغول‌ها، تورانیان، سایر عشایر اوراسیا یا حتی ده قبیله گمشده اسرائیل شناخته می‌شدند.

### ذوالقرنین قرآنی

تقریباً جز قرآن برگ نوشته‌ی سالم دیگری در باب تاریخ و تمدن جهان نداریم که ارزش مراجعه داشته باشد. بر مبنای ائله و اسناد بی‌شمار و از جمله سکه‌های خود اسکندر، منظور قرآن عظیم از **ذوالقرنین**، اسکندر بزرگ است. **ذوالقرنین**، "صاحب دو شاخ" (یا مجازاً "صاحب دو عمر") در آیات ۸۳ الی ۱۰۱ سوره ۱۸ (کهف) در قرآن به عنوان شخصیتی ظاهر می‌شود که توسط **الله (ج)** صاحب قدرت شده‌است تا دیواری را بین نوع بشر و یاجوج و ماجوج، که تجسم آشوبند، بنا کند.

تمام تاریخ و به ویژه ادبیات ایران و تمام شرق میانه، اسکندر، یعنی نابودکننده هخامنشیان را می‌شناسند و او را تا سرحد خدایی تقدیس و ستایش می‌کنند (البته منهای آثار زردشتی!) اما هخامنشیان را نمی‌شناسند!!! حتی فردوسی (احیاکننده ایران باستان!) اسکندر را به زیارت کعبه می‌برد و او را حاجی می‌کند!! اسکندر به عنوان یک شخصیت تاریخی با نام ذوالقرنین در قرآن ذکر شده است و جایگزینی وی با کورش جزو تلاش‌های تاریخ ایران‌سازان در طول یکی دو قرن اخیر است.

در فصل بسیار روشنگری با عنوان «چاره اندیشی یهود»، به خوبی اثبات می‌کند که هخامنشیان و از جمله کورش برخاسته از اقلیم خزران در جنوب روسیه، از نژاد اسلاو و اجیر شده‌ی یهودیان برای تخریب بابل بوده‌اند و بدین ترتیب سعی رسمی مورخان غربی برای انتساب و الصاق هویت کورش به ایرانیان را باطل کرده‌است. (10) نزد من یقینی است که **دشمنان اسلام بر زوایای قرآن بیش از عالمان دین ما مشرف اند** و می‌دانند کدام کلمه را از کجای آیات بردارند و بر آن معنای مورد نظر خویش گذارند تا از طریق آن فصل گمراه‌کننده‌ی دیگری در فهم کتاب خدا بیافزایند و ما را به بی‌راهه‌ی دیگری اندازند.

گونه‌ای که اینک **لااقل در حوزه‌ی زبان فارسی دو ترجمه در دست نداریم** که در مجموع مفهوم واحدی از ریزه‌کاری‌های بیان قرآن ارائه دهند و شاهدیم که هر یک از مترجمین اعتقادات و علائق خود را با بی‌پروایی تمام در آرایه‌ی دو قلاب و پرانتز، میان آیات الهی، به خواننده می‌خورانند و با ترجمه‌ها و تفسیرهایی مواجهیم که مثلاً **خرم شاهی** با بی‌خیالی تمام و به تبعیت از هدایت تورات، در برابر اسرائیل، در آیه‌ی ۵۸ سوره‌ی مریم و موارد دیگر، مساوی یعقوب می‌گذارد، هرچند در همان قرآن از یهود و نصاری شناختن ابراهیم و نریه اش نهی شده باشد!؟

د پانوی شمیره: له 5 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دليکنی د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولی

در مجرای کنونی آن چه می گذرد چنین است که می بینیم در هر حفره ی بی توضیح و غیر آشکار قرآنی، یک داستان مورد نیاز یهود نشانده اند: در آغاز سوره ی روم، طرف مقابل جنگ، که قرآن مشخص نکرده، به گمان گروهی، پارسیان اند! در آیه ی ۱۰۳ سوره ی نحل، بی توجه به مفهوم شرک آمیز ادعا، که آدمی را به جای خدا می گذارد، پیامبر را دروغ گو و قرآن را زمینی می شمارد، می گویند آن عجمی که به پیامبر قرآن تلقین می کرده، سلمان فارسی بوده است! مردم نامشخصی که در آیه ی ۱۳۳ سوره ی نساء وعده ی جانشینی بر نافرمانان می گیرند، پارسیان اند! اشاره ی نامشخص آیه ی ۸۹ سوره انعام را اشاره به پارسیان شمرده اند! ذوالقرنین قرآن کورش پارسی امی شود و قس علی هذا. زیرا یهودیان به تاریخی نیاز دارند، که از هر طریق، وجود و حضور قدرتمند پارسیان و ایرانیان را در پیش و پس از اسلام ثابت کند تا نتایج اقدام پلید آن ها در نسل کشی پوریم معلوم نباشد و یکی از ابزارهای این قبیل تلقینات دروغ راه، توسل به آیه هایی در قرآن مبین گرفته اند، که وضوح اخباری ندارد، چنان که «هادوا» را ابهام دیگری انگاشته اند تا خود را در صف مردمی قرار دهند که مورد رعایت خداوندند! (11) با نهایت افسوس جهان اسلام و روشنفکر و مولف مسلمان، در هیچ زمان، به ویژه در سده های اخیر، قرآن را به عنوان سند تاریخی نکاویده و در این باب رجوع به چند تالیف آشکارا مشکوک و معیوب و مجعول راه، حتی بدون بازخوانی انتقادی، بسنده دیده است.

در قرآن فصیح و کبیر، چند انحنای عبور نشده ی لفظی وجود دارد که حکمت استقرار آن ها هنوز بر مسلمان و غیر مسلمان آشکار نیست و در راس آن ها حروف مقطعه، همچون «کهیص»، «ن»، «ص»، «الم»، «یس» و غیره قرار می گیرد که علی رغم انبوه کنجکاوانی که به آن توجه کرده اند و به دنبال گشایش قصد کاربرد آن بوده اند، تاکنون کسی به رمز این غمزه در بیان الهی پی نبرده و ادراک مقصود از نصب این نشانه های منفرد و مرکب از حروف، بر مدخل ۲۹ سوره از قرآن، با وجود انبوهی از گمانه ها، تاکنون میسر نبوده است. انحنای دوم، در تعداد نسبتاً قابل اعتنایی از کلمات و ترکیبات عربی آمده در قرآن است، که تا امروز معنای محکم آن بر کسی معلوم نیست و غالباً بر این الفاظ، تصورات و تعیین هایی قرار داده اند که نه فقط نزد مترجمین و مفسرین به وحدت نمی رسد، بل و مهم تر این که توضیحات ارائه شده در باب این گونه گزینه ها، موجب و مورد یقین کسی نیست، اما در مقاطعی منجر به انحراف توجه خواننده از اشارات روشن قرآن و یا برداشت نادرست از این یا آن آیه می شود. اگر بخواهم تنها از ساده ترین آن ها مثال آورم، به شماره کثیر است، پس در این جا به چند نمونه بسنده می کنم:

(( روح القدس ؛ طور ؛ من و سلوی ؛ سبعا من المثانی ؛ الحاقه ؛ سقر ؛ یوم الفصل ؛ سجین و علیین ؛ طارق ؛ عقبه ؛ لیلۃ القدر ؛ قارعه و هاویه ؛ حطمه ))

می خواستم بنویسم و بگویم که کلام خدا مداخله بردار نیست و هیچ کس، در هیچ مرتبه ای، محق و مختار و مجاز نیست که به هیچ صورت و اندازه ای، در متن کبیر قرآن، با تعبیر و تفسیر و نصب پرائنز و تدارک ترجمه های بی اساس، دخالت موضوعی و معنایی کند و موجب هدایت برداشت از آیه های قرآن شود، زیرا به راستی نه تنها تایید و تحکیم صلاح و سلامت این مداخله کنندگان و مضمون این مداخلات، از هیچ مسیری میسر نیست، بل کاربران هر یک از این موارد، احتمالاً خود را در اندازه ی دست یار خداوند در تدوین و تنزیل و تفهیم قرآن تصور کرده اند!!! همین دخالت های نامربوط، چنان که اکنون با عواقب آن ها مواجهیم، کورش در تاریخ شرق میانه تا سده ی پیش ناشناس راه، در جای ذوالقرنین قرآن قرار داده و صدها بهتان و داستان نادرست و بی سند و ناپسند و توطئه آمیز دیگر راه، به کتاب خدا وارد کرده، که هنوز صلاح در سکوت نسبی است (12).

پایان

مأخذ:

- 1 - برای دیدن پیشگویی های مکرر و مفصل تورات درباره سقوط اورشلیم و یهودا به دست اقوام مهاجم و از جمله بابلیان و مجازات های یهودیان ن. گ به عهد عتیق، ارمیا، 25:1-14 و 14:1-22 و 10:17-22 و 6:1-30 و 5:5-18 و 4:5-9 و 2:14-17
  - 2 - عهد عتیق، ارمیا 51:27-28 و 41-42 و 8-10 و 3-50
  - 3 - عهد عتیق، حبقوق، مقدمه، ص 867.
  - 4 - ارمیا، 15:12-13 و پاورقی مربوط به آن در ص 713.
  - 5 و 6 - <http://www.naria.info/view/5.aspx?id=341> [ناصرپورپیرار]
  - 7 - ناصر پورپیرار، پلی بر گذشته 2، گزیده ای از صفحات مختلف
  - 8 - <https://www.rhein-wolga.info/georgische-hererstrasse>
  - 9 - <https://www.adyannet.com/fa/news/25317>
  - 10 - برآمدن هخامنشیان (12 قرن سکوت) [ناصر پورپیرار]
  - 11 و 12 - کتاب اسلام و شمشیر، گزیده ای از صفحات مختلف [ناصر پور پیرار]
- <http://www.naria.info/view/3.aspx?id=95>
- \*\*\* - انترنیت - گوگل

د پانو شمیره: له 6 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یاونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی